

بهبود موقعیت ایران در عبور کالا می تواند به گسترش مناسبات تجاری کشورهای اسلامی کمک کند

اشاره:

گسترش مناسبات اقتصادی و تجاری میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی از حرکت‌های ضروری برای ایجاد بازار مشترک اسلامی می‌باشد. با این وجود، آمارهای منتشره گواهی می‌دهد که در حال حاضر فقط ۱۰ درصد مبادلات تجارت خارجی این کشورها با یکدیگر انجام می‌شود و زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری از ایجاد بازار مشترک اسلامی، مهیا نیست. کارشناسان برای گسترش مناسبات تجاری بین ۵۵ کشور مسلمان عضو سازمان کنفرانس اسلامی، راهکارهای مختلفی را تا تشکیل بازار مشترک اسلامی ارائه می‌کنند که ارزیابی این راهکارها می‌تواند در اتخاذ راهبرد مناسب در این جهت کارساز باشد.

خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در گفت‌وگو با آقای دکتر محمد مهدی بهکیش عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و دبیر کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی، راهکارهای مناسب برای گسترش مبادلات تجاری میان کشورهای اسلامی، راه‌های ایجاد بازار مشترک و موانع ساختاری آن را جویا شد.

ماحصل این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.

بالقوه متقابل وجود ندارد.

■ زمینه‌های ایجاد بازار مشترک در چه فضایی آماده

می‌شود؟

○ علت تشکیل بازار مشترک، کاهش موانع تجاری برای گسترش مناسبات بازرگانی میان کشورهاست. سازمان جهانی تجارت نیز در سطح بین‌المللی این هدف را دنبال می‌کند.

در اروپای ۱۹۵۰ فولاد تولید می‌شد تا دیگر کشورهای اروپایی در قالب اتحادیه با حذف موانع گمرکی از آن استفاده کنند و فولاد مورد نیاز خود را از آمریکا وارد نکنند. هم‌اکنون در کشورهای اسلامی کالای متنوعی تولید نمی‌شود و برخی کشورهای اسلامی تولیدکننده و بقیه مصرف‌کننده هستند و نیازهای خود را از بازارهای غیراسلامی تأمین می‌کنند. ارزش مبادلات تجاری کشورهای اسلامی حدود ۳۰۰ میلیارد دلار (واردات و صادرات) است. سهم کشورهای اسلامی در تجارت جهان حدود ۷ درصد است. به دیگر سخن ۲۰ درصد جمعیت

□ نخستین تجربه بازار مشترک، در اروپا می‌باشد. بعد از جنگ جهانی دوم ابتدا اتحادیه فولاد در اروپا شکل گرفت. این اتحادیه در شرایط جنگ دوم جهانی به وجود آمد که تعرفه‌های گمرکی بسیار بالا بود، چون در دوران جنگ، تمام کشورها به‌سوی سیاست‌های حمایت از تولیدات داخلی کشیده شدند. اتحادیه فولاد برای برداشتن موانع تجاری تشکیل شد. این امر به سایر بخش‌های اقتصادی گسترش پیدا کرد و بازار مشترک به وجود آمد.

دلیل تشکیل بازار مشترک تا امروز این است که موانع تجاری برای مبادلات بین کشورها کاهش یابد. سازمان جهانی تجارت نیز در سطح بین‌المللی همین عمل را انجام می‌دهد.

در زمینه ایجاد بازار مشترک اسلامی نیز باید یک نیاز متقابل بین کشورهای اسلامی وجود داشته باشد، سپس موانع موجود کاهش یابد تا کشورهای مسلمان نیازهایشان را از یکدیگر تأمین کنند. اما به نظر من بین کشورهای اسلامی رابطه

است و روزی ۱/۳ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند. بیشتر واردات اندونزی از ژاپن و آمریکا صورت می‌گیرد و صادرات این کشور نیز به آمریکا و ژاپن می‌باشد.

۳- ترکیه دارای صادراتی است که به‌سوی بازار اروپا و آمریکا در حرکت می‌باشد. صادرات این کشور بیشتر به آلمان،

جهان فقط ۷ درصد تجارت جهانی را در دست دارند. جالب‌تر آنکه ۹ کشور اسلامی حدود ۲۳۰ میلیارد دلار ارزش مبادلات تجاری کشورهای اسلامی را در دست دارند.

این ۹ کشور مالزی، اندونزی، ترکیه، امارات، عربستان، مصر، ایران، پاکستان و الجزایر می‌باشند. آنها ۷۰ درصد



آمریکا و ایتالیا است و واردات آن نیز از همین سه کشور می‌باشد.

ترکیه بزرگ‌ترین تولیدکننده کالای صنعتی در بین کشورهای اسلامی است. این سه کشور (مالزی، اندونزی و ترکیه) سالانه حدود ۱۴۰ میلیارد دلار کالا صادر و به همین میزان نیز وارد می‌کنند. یعنی حجم مبادلات تجاری آنها سالانه ۲۸۰ میلیارد دلار است.

با بررسی اجمالی روی سه کشور یاد شده درمی‌یابیم که اگر بخواهیم فضای آمادگی برای افزایش مبادله کالا بین کشورهای اسلامی ایجاد شود، این سه کشور باید بتوانند کالای بیشتری به یکدیگر و یا دیگر کشورهای اسلامی صادر کنند و کالای بیشتری از آنها وارد نمایند. عربستان نیز به همین صورت می‌باشد. عربستان روزانه ۸ میلیون بشکه نفت صادر می‌کند که بیشترین آن به آمریکا و ژاپن است و ۹۰ درصد صادرات این کشور نیز نفت است. به‌طور طبیعی واردات عربستان نیز از این دو کشور است.

مبادلات تجاری کشورهای اسلامی را در اختیار دارند. پس وقتی در زمینه بازار مشترک صحبت می‌شود، این ۹ کشور است که باید کالاهای موردنیاز خود را از دیگر کشورهای اسلامی خریداری کنند.

با نگاهی به الگوی خرید این ۹ کشور درمی‌یابیم که:

۱- مالزی ۲۵ درصد مبادلات کشورهای اسلامی را در دست دارد، این کشور صادرکننده کالاهای پیشرفته الکترونیک و ماشین‌آلات می‌باشد. مالزی بیشترین ارتباط تجاری را با ژاپن و آمریکا و سپس سنگاپور و تایوان دارد که تمام آنها کشورهای غیراسلامی هستند. واردات این کشور نیز از کشورهای غیراسلامی تأمین می‌شود.

بیشترین واردات مالزی از سنگاپور، آمریکا و ژاپن است. باید دید مالزی چه میزان از صادرات و یا واردات خود را می‌تواند به‌سوی کشورهای اسلامی سوق دهد. این کار، آسانی نیست.

۲- اندونزی با ۲۰۶ میلیون نفر جمعیت، پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی است. این کشور عضو اوپک و صادرکننده نفت

○ برای ایجاد بازار مشترک اسلامی، ابتدا باید نیاز متقابل به مناسبات اقتصادی بین کشورهای اسلامی به وجود آید و سپس موانع کاهش پیدا کند. اما در میان کشورهای اسلامی رابطه بالقوه متقابل وجود ندارد.

پنج کشور مالزی، اندونزی، ترکیه، امارات و عربستان در مجموع سالانه ۲۵۰ میلیارد دلار مبادله تجاری دارند که نسبت به کل مبادلات تجاری کشورهای اسلامی (۶۰۰ میلیارد دلار) بیش از ۵۰ درصد مبادلات تجارت خارجی کشورهای اسلامی را در دست دارند. پس اگر صحبت از بازار مشترک می‌شود، باید دید این پنج کشور چه می‌توانند بکنند که بین یکدیگر مبادله بیشتری داشته باشند. مصر، ایران، پاکستان و الجزایر در ردیف بعدی قرار دارند.

این ۹ کشور، کشورهای اسلامی هستند که واردات هر یک از آنها بیش از ۱۰ میلیارد دلار در سال است. آنها ۷۰ درصد مبادلات تجاری خارجی جهان اسلامی را در دست دارند. ارزش صادرات و واردات بقیه کشورهای اسلامی کمتر از ۱۰ میلیارد دلار در سال است. ۲۵ کشور هستند که حداکثر ۲۰ درصد مبادلات تجاری کشورهای اسلامی را دارند. بنابراین اگر بخواهیم در زمینه ایجاد بازار مشترک اسلامی صحبت کنیم، باید دید ۵ کشور اول یعنی مالزی، اندونزی، ترکیه، امارات و عربستان و به علاوه مصر، ایران، پاکستان و الجزایر چه می‌توانند بکنند که مبادی تأمین نیازهای خود را به سوی کشورهای اسلامی هدایت دهند. این کار آسان نیست و تجربیات ۲۰ سال گذشته نشان داده که در این زمینه بحث زیادی شده، ولی به نتیجه خیلی مطلوبی نرسیده است. حدود ۱۰ سال پیش ۱۴ درصد مبادلات کشورهای اسلامی در درون خودشان بود. امروز این رقم حدود ۱۱ تا ۱۲ و رو به کاهش است. علت نیز آن است که مالزی و اندونزی به سرعت رو به رشد بودند و حجم زیادی از مبادلات کشورهای اسلامی را به خود اختصاص دادند، اما نوع تولید و فعالیت آنها به نحوی است که نمی‌توانند در داخل کشورهای اسلامی به دادوستد بپردازند.

ماهاتیر محمد نخست‌وزیر مالزی در سخنرانی خود در هشتمین اجلاس سران کنفرانس اسلامی در تهران گفت: به جای اینکه در زمینه ایجاد بازار مشترک اسلامی صحبت کنیم، بهتر

است راجع به راه‌های افزایش تجارت بین کشورهای اسلامی بحث کنیم. توجه به این نکته بسیار مهم است، چرا که ۲۵ درصد مبادلات تجاری کشورهای اسلامی در دست مالزی است و نقش مالزی در تشکیل بازار مشترک اسلامی مهم است.

اگر به منطقه‌ای که ایران در آن قرار دارد نظر افکنیم، می‌بینیم:

- امارات متحده عربی بیش از همه، با کشورهای اسلامی ارتباط دارد که علت آن وضعیت عبوری (ترانزیتی) امارات است. این کشور با ایران، عربستان، بحرین، قطر و به تازگی با کشورهای آسیای مرکزی ارتباط زیادی دارد. امارات متحده عربی سالانه حدود ۲۵ میلیارد دلار کالا وارد می‌کند که بیشتر آن کالاهای عبوری (ترانزیتی) است که با کشورهای یادشده عمل می‌کند.

ایران نیز موقعیت عبوری (ترانزیتی) دارد که اگر رشد کند، مبادلات تجاری آن با کشورهای اسلامی گسترش پیدا می‌کند. ایران با ترکیه، امارات و در شمال با ترکمنستان و آذربایجان همسایه است و موقعیت بسیار مطلوبی دارد که می‌تواند در زمینه گسترده‌تر کردن ارتباط بین کشورهای اسلامی، گام بردارد.

آذربایجان نیز که در شمال ایران قرار دارد، به تازگی وضعیت عبوری (ترانزیتی) خوبی پیدا کرده است و محلی برای انتقال کالا از امارات متحده عربی، ایران و ترکیه به همسایگان شمالی‌اش می‌شود. به همین دلیل در سال گذشته حجم مبادلات کالا بین ایران و جمهوری آذربایجان قابل توجه بود.

■ به نظر شما امکان تشکیل بازار مشترک اسلامی بین

کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی وجود ندارد؟

□ به نظر من، نظر آقای ماهاتیر محمد صحیح است. من نیز آن را تکرار می‌کنم. به نظر من صحبت از تشکیل بازار مشترک اسلامی در آینده نزدیک امکان‌پذیر نیست. کشورهای اسلامی هنوز در طی ۱۵ سال گذشته به این تفاهم که تجارت میان خود را گسترش دهند، نرسیده‌اند. زیرا زمینه‌های مبادله کالا هنوز بین کشورهای اسلامی فراهم نیست.

○ بیش از نیمی از مبادلات تجاری خارجی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی را مالزی، اندونزی، ترکیه، امارات متحده عربی و عربستان با حجم سالانه ۳۵۰ میلیارد دلار انجام می‌دهند.

قراردادهای خود «گذشت» کنند. ممکن است که مالزی فن آوری بالای آلمان را نداشته باشد، ولی ایران باید قبول کند با مالزی چنین قراردادی را منعقد سازد، اگر هم تمامی شرایط آن مانند آلمان نباشد.

اگر ۹ کشور مورد بحث از جمله ایران، ترکیه، عربستان و مالزی این «گذشت» را از خود نشان دهند، مبادلات بین آنها رشد پیدا می‌کند و چنانچه مناسبات اقتصادی میان ۹ کشور یادشده رشد کند، به کشورهای کوچک نیز سرایت می‌کند.

■ آیا از بحث شما می‌توان نتیجه گرفت که اگر کشورهای اسلامی با همکاری منطقه‌ای کار خود را آغاز کنند، در تشکیل

بازار مشترک اسلامی موفق‌تر خواهند بود؟

□ ۹ کشوری که نام آنها ذکر شد، هر کدام در نقطه‌ای از جهان قرار دارند و در یک منطقه نیستند.

- مالزی و اندونزی در جنوب شرق آسیا

- ترکیه در اروپا

- امارات و عربستان در جنوب ایران

- مصر در شاخ آفریقا

- ایران و پاکستان در کنار یکدیگر

- الجزایر در آفریقا

پس ۹ کشور اصلی اسلامی که ۷۰ درصد مبادلات تجاری کشورهای اسلامی را در اختیار دارند، پراکنده هستند. دیدگاه دکتر نجم‌الدین اربکان نخست‌وزیر سابق ترکیه که گروه هشت کشور اسلامی (دی‌هشت) را تشکیل داد، یا ایده من هماهنگی نزدیکی دارد.

○ سطح مبادلات تجاری کشورهای اسلامی با یکدیگر از ۱۴ درصد تجارت خارجی آنها در ۱۰ سال پیش، به ۱۰ درصد در حال حاضر کاهش یافته است.

به‌نظر من باید بین ۸ یا ۹ کشور اصلی اسلامی مکانیزمی (روش‌هایی) به‌وجود آید که با استفاده از آنها بتوانند ارتباطشان را گسترش دهند و سپس روند گسترش مبادلات میان کشورهای اسلامی سرریز شود و روابط آنها با کشورهای دیگر اسلامی گسترش یابد تا شاید ۴۰ تا ۵۰ سال دیگر بتوان به بازار مشترک اسلامی دست یافت.

■ به‌نظر شما می‌تواند هسته اصلی تشکیل بازار مشترک

اسلامی گروه دی‌هشت باشد؟

۹ کشوری که از آنان یاد شد، ۴۰ درصد حجم صادرات آنان نفت است، نفت این کشورها به بازارهایی می‌رود که طبیعتاً خریدهای این کشورها نیز از همان بازارها است. ضمناً ۸۰ میلیارد دلار کالاهای صادراتی مالزی و ۴۰ میلیارد دلار کالای صادراتی اندونزی، جزو کالاهای صنعتی پیشرفته است که به‌راحتی جذب بازار کشورهای مثل ایران نمی‌تواند بشود. از ۱۵۰ میلیارد دلار باقیمانده نیز ۱۲۰ میلیارد دلار آن به‌سوی کشورهای پیشرفته سرازیر می‌شود. در نتیجه چیزی برای مبادله بین کشورهای اسلامی نمی‌ماند.

○ برای تشکیل بازار مشترک اسلامی باید بررسی شود که ۹ کشور مالزی، اندونزی، ترکیه، عربستان سعودی، ایران، امارات متحده عربی، مصر، پاکستان و الجزایر تا چه حد می‌توانند مناسبات تجاری خود را به سوی جهان اسلام سوق دهند.

الگوی تولید و مبادلات کشورهای اسلامی به نحوی است که به سادگی نمی‌توان مبادلات تجاری میان کشورهای اسلامی را گسترش داد، لیکن توانمندی‌هایی وجود دارد و برخی کشورها چون ایران، ترکیه، عربستان، امارات و برخی کشورهای آفریقایی در حال پیشرفت هستند و با این توانمندی‌ها می‌توانند در آینده زمینه‌ساز واردات بیشتر از دیگر کشورهای اسلامی شوند.

در صورتی مبادلات بین کشورهای اسلامی گسترش می‌یابد که هر یک از اعضای سازمان کنفرانس اسلامی افزایش واردات از دیگر کشورهای عضو را جزو برنامه‌های محوری خود قرار دهند.

در ایران این حرکت انجام شده ولی هنوز از آن نتایج مشخصی به‌دست نیامده است، زیرا کشورهای اسلامی نمی‌توانند بسیاری از نیازهای ایران را تأمین کنند. در نتیجه ایران و دیگر کشورهای درحال پیشرفت، به‌سوی کشورهای می‌روند که بتوانند نیازهای آنها را برطرف کنند.

■ نخستین قدم در راه همکاری با کشورهای اسلامی صاحب فن آوری چیست؟

□ به نظر من اولین قدم در این راه، قرارداد ایران با توتال فرانسه بود که مالزی نیز در آن شریک است. این نوع فعالیت‌ها باید گسترش یابد. باید کشورهای اسلامی در انعقاد

□ به نظر من هسته اصلی بازار مشترک می‌تواند کشورهای عضو گروه دی‌هشت باشند، البته اگر تغییرات مورد نیاز در این گروه صورت بگیرد. اما گروه دی‌هشت را باید جدی گرفت، چون یک منطق اقتصادی بسیار قوی پشت آن است.

■ مشکل اصلی عدم تشکیل بازار مشترک اسلامی در چیست؟

□ مشکل اصلی، ساختار ۹ کشور یادشده است. ساختار این کشورها به نحوی است که اکثر آنها صادرکننده نفت هستند و نفت خود را به کشورهای صادر می‌کنند که از آنجا کالای مورد نیاز خود را وارد می‌نمایند. در ضمن این کشورها بیشتر ماشین‌آلات و کالاهای سرمایه‌ای و فن‌آوری را وارد می‌کنند که بازار عرضه آنها اروپا، ژاپن و آمریکا است.

به نظر من در بین ۹ کشور یادشده، ایران، ترکیه، مالزی و اندونزی اکنون تولید فن‌آوری را آغاز کرده‌اند. این ۴ کشور باید به مبادله فن‌آوری بپردازند ولی هیچ‌گونه اقدام اجرایی در این زمینه انجام نشده است. آنها باید توافق کنند فن‌آوری کمی پایین‌تر خود را به فن‌آوری اروپایی ترجیح دهند. در این زمینه هیچ‌گونه توافقی نشده است. این کشورها در زمینه تبادل فن‌آوری میان خود باید تسهیلات زیادی قایل شوند، ولی هنوز این کار انجام نشده است. آنها برای مبادله کالای تجاری باید امکانات بیشتری برای یکدیگر فراهم کنند.

برای مثال در ایران چقدر در زمینه خرید کالاهای کشورهای مالزی، اندونزی و ترکیه تبلیغ می‌شود و چقدر سیاست‌های تجاری ایران در جهت وارد کردن کالا از این کشورها است؟ به نظر من این امر کم‌رنگ است، حتی در درون سازمان همکاری اقتصادی (اگو) نیز این کار انجام نشده است. اگر بخواهیم مبادله بین کشورهای اسلامی افزایش یابد، بهتر است اول همکاری بین کشورهای عضو اگو که ایران، ترکیه و جمهوری آذربایجان در آن وجود دارد، بارور شود. سپس خواهیم دید که سطح همکاری‌ها افزایش می‌یابد.

گسترش مبادله بین کشورهای اسلامی با «گذشت» همراه است. کشورهای اسلامی باید این «گذشت» را داشته باشند که کالای با کیفیت کمی پایین‌تر خود را بر تولیدات کشورهای اروپایی، ژاپنی و آمریکایی ترجیح دهند.

■ آیا کشورهای اسلامی قدرت این امر را دارند که با ایجاد سرمایه‌گذاری‌های مشترک، زمینه‌ساز تشکیل بازار مشترک اسلامی باشند؟

□ قطعاً با سرمایه‌گذاری مشترک می‌توان راهی را به سوی

گسترش مبادلات تجاری باز کرد، ولی باید توجه داشت که تقریباً تمام کشورهای اسلامی، جزو کشورهای سرمایه‌پذیر هستند و کشورهای سرمایه‌گذار بیشتر از غرب، آمریکا، اقیانوسیه و ژاپن می‌باشند. بنابراین تا به حال کشورهای اسلامی دارای آن قدرت اقتصادی نبوده‌اند که سرمایه‌گذار باشند، بلکه سرمایه‌پذیر بوده‌اند. برخی کشورهای اسلامی صادرکننده نفت به خارج از کشورشان، سرمایه‌هایی دارند که متأسفانه تا به حال این سرمایه‌ها به کشورهای اسلامی هدایت نشده است. عربستان، کویت، امارات و دیگر کشورهای جنوب خلیج فارس، سرمایه‌هایی در خارج از مرزهایشان دارند که به دلایل مختلف سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

در صورتی که برای این سرمایه‌ها امنیت کافی ایجاد شود، می‌تواند به سوی کشورهای اسلامی سوق پیدا کند. اتفاقاً در این مسیر اگر برنامه‌ریزی مناسبی شود، نتایج مطلوبی به دست خواهد آمد.

○ تشکیل بازار مشترک اسلامی در آینده نزدیک مسیر نیست، زیرا در پانزده سال اخیر کشورهای اسلامی به تفاهمی در زمینه گسترش مناسبات تجاری با یکدیگر دست نیافته‌اند.

این بحث، سال‌ها در کنفرانس اتاق‌های کشورهای اسلامی مطرح بوده، اما چون اعضای این سازمان هنوز به توافقی در زمینه شیوه‌های عملی برای جریان سرمایه‌گذاری میان خود نرسیده‌اند، هنوز نتایج مشخصی دربر نداشته است.

■ اظهار داشتید برخی کشورهای اسلامی در فن‌آوری به پیشرفت‌هایی نایل آمده‌اند. آیا می‌توان به موازات آن در انتقال کارشناس بین کشورهای صاحب فن‌آوری به فعالیت پرداخت و آنان را آموزش داد؟

□ این امر به یقین عملی است، ولی به برنامه‌ریزی از سوی دولت‌های کشورهای مسلمان نیاز دارد. برای مثال بسیاری از ایرانیان برای دریافت مدرک دکترا به هند سفر می‌کنند. تعداد دانشجویان ایرانی طالب دریافت مدارک بالا از دانشگاه‌های هند در ۷ تا ۸ سال گذشته زیاد شد، ولی امروزه رو به کاهش گذاشته است. این سؤال مطرح است که چرا این دانشجویان به مالزی نرفته‌اند؟ با یک بررسی اجمالی درمی‌یابیم که امکانات تحصیلی کشور مالزی به دانشجویان ایرانی معرفی نشده است

به نظر من در کنفرانس تهران قدم‌های اولیه برداشته شد و کشورهای اسلامی همگی در این زمینه تفاهم داشتند. ولی باید به حرف‌های آقای ماهاتیر محمد توجه کرد که کشورهای اسلامی باید در این مسیر قدم به قدم پیش بروند و سازماندهی مناسبی برای همکاری‌های خود انجام دهند.

به نظر من حرکت دکتر اربکان در تشکیل گروه هشت بسیار خوب بود. باید روی نحوه فعالیت گروه هشت کار شود چون مبنای حرکت کشورهای اسلامی است.

■ آیا کشورهای فقیر اسلامی می‌توانند انگیزه تشکیل بازار مشترک اسلامی را از دیگر کشورهای صاحب فن آوری و ثروت سلب نمایند؟

□ کشورهای کم‌بضاعت اسلامی می‌توانند به روند ایجاد بازار مشترک اسلامی کمک کنند، چون این کشورها صادرکننده مواد اولیه و واردکننده فن آوری می‌باشند. درست مثل ۹ کشور اسلامی که ۴۰ سال قبل مواد اولیه صادر و فن آوری وارد می‌کردند.

حجم مبادلات کشورهای کم‌بضاعت اندک است، اما ماده اولیه می‌فروشند و فن آوری وارد می‌کنند. اگر بتوان در بین ۹ کشور ثروتمند اسلامی ترتیباتی اتخاذ کرد که مواد اولیه را از کشورهای کم‌بضاعت خریداری کنند و دانش فنی موردنیاز کشورهای کم‌بضاعت را با شرایطی که بتوانند دریافت دارند، تأمین نمود، آن وقت برای تشکیل این بازار یک حرکت اساسی انجام شده است.

■ کشورهای اسلامی به چند دسته تقسیم می‌شوند؟

□ به دو دسته:

دسته اول آنهایی که سالانه بیش از ۱۰ میلیارد دلار واردات دارند که تعدادشان ۹ یا ۱۰ کشور است.

دسته دوم آنهایی که سالانه کمتر از ۵ میلیارد دلار واردات دارند. این کشورها از نظر تجارت جهانی بسیار محدود هستند.

○ اگر تغییراتی در روند فعالیت گروه هشت کشور اسلامی به وجود آید، این گروه می‌تواند هسته اصلی ایجاد بازار مشترک اسلامی باشد.

■ به نظر شما می‌توان با ابزارهای تجاری کشورهای

اسلامی را به تشکیل بازار مشترک اسلامی تشویق کرد؟

□ به نظر من الگوی مبادلات بین کشورهای اسلامی به علت

و این نقش دولت است که باید امکانات کشورهای اسلامی را در ایران معرفی کند و در این زمینه متأسفانه حرکت مناسبی انجام نشده است.

○ الگوی تولید و مبادلات تجاری کشورهای اسلامی چنان است که به سادگی نمی‌توان مبادلات تجاری بین این کشورها را گسترش داد. اما این توانمندی در تعدادی از کشورهای مسلمان وجود دارد.

شاید در اندونزی دانشگاه‌های خوبی باشد، اما مردم ما از آن اطلاع ندارند. مصر و ترکیه نیز جزو این مقوله هستند. پس ایران می‌تواند در کنار تبادل فن آوری، تبادل نیروی انسانی نیز داشته باشد، ولی نیاز به برنامه‌ریزی، معرفی و بازاریابی بسیار گسترده‌ای دارد که تاکنون انجام نشده است.

■ آیا می‌توان برنامه‌ای تنظیم کرد که ۹ کشور یادشده نیازهای خود را از یکدیگر مرتفع سازند؟

□ ساختار اقتصادی ۹ کشور مالزی، اندونزی، ترکیه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر، ایران، الجزایر و پاکستان که واردات عمده‌ای دارند، از سه جهت به کشورهای اروپایی و آمریکایی متصل است.

۱- صادرات آنها مواد اولیه یا نفت است که خریدار آن یا اروپا یا آمریکا می‌باشند.

۲- آنها خریدار دانش فنی و فن آوری هستند که صاحبان فن آوری موردنیاز آنها، اروپا و آمریکا می‌باشند.

۳- نظام بانکی منظمی در اروپا و آمریکا وجود دارد که خدمات بازرگانی به آنها می‌دهد. اگر ۹ کشور یادشده بخواهند تغییر الگو بدهند و کالاهای ساخته شده خودشان را که از نوع مصرفی است به جای فروش به کشورهای اروپایی و آسیایی به کشورهای ثروتمند اسلامی صادر کنند که این امر امکان‌پذیر می‌باشد، در نتیجه می‌توانند فن آوری موردنیاز خود را کم‌کم از کشورهای اسلامی که دارای رشد فن آوری هستند، وارد کنند. بنابراین الگویی که کشورهای ۹ گانه اسلامی را به اروپا و آمریکا وصل کرده است، تغییر می‌یابد. هم‌اکنون شکل مبادلات و الگوی مبادلات این کشورها در حال تغییر است. باید برنامه‌ریزی گسترده‌ای انجام شود تا این الگو دوباره به آمریکا و اروپا وصل نشود. این برنامه‌ریزی به صرف وقت، هزینه و گذشت کشورهای اسلامی نیاز دارد.

اینکه ساختارها مکمل یکدیگر نیستند، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق‌تری از ابزار تجاری دارد. ابتدا باید دو کار در کنار یکدیگر انجام شود.

۱- الگوهای مبادلات و تولیدات کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار گیرد و با یکدیگر ارتباط نزدیک‌تری پیدا کند و این موضوع مورد بررسی قرار گیرد که این الگوها در چه مسیری تحول پیدا کند تا مبادلات بین کشورهای یادشده را افزایش دهد. این عمل یک کار درازمدت است.

۲- تعرفه‌های گمرکی کاهش پیدا کند تا مبادله کالا بین کشورهای اسلامی گسترش یابد. تجربه نشان داده است که تاکنون کشورهای اسلامی گذشت زیادی برای تسهیل ورود کالاهای یکدیگر نداشته‌اند.

به نظر من باید با سعه صدر به این موضوع نگاه کنند. این تفاهم هم در کنفرانس اخیر تهران ایجاد شده است ولی در عمل با مشکلات بسیار جدی حتی در کشور خودمان ایران مواجه می‌شویم.

■ آیا ایران به‌عنوان رییس کنفرانس می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای را در تشکیل بازار مشترک اسلامی داشته باشد؟

□ ایران به‌عنوان رییس کنفرانس می‌تواند نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. به نظر من اولین قدم ایجاد یک سازمانی است که بتواند تشکیل این بازار را برنامه‌ریزی کند. ایران می‌تواند برای تشکیل این سازمان پیش‌قدم شود تا اینکه این مکانیزم به حرکت درآید.

ممکن است در ابتدا اسم آن را بازار مشترک نگذاریم، به جای بازار مشترک می‌توان طبق نظر مالزی از گسترش تجارت صحبت شود. باید روش‌ها (مکانیزمی) به‌وجود آید تا به گسترش مبادلات تجاری بین کشورهای اسلامی منتج شود. در این امر ایران می‌تواند پیش‌قدم شود و حتی روی آن به‌عنوان یک بازوی برنامه‌ریز سرمایه‌گذاری کند.

■ آیا برای گسترش مبادلات تجاری میان کشورهای اسلامی نیاز به بانک اطلاعات اقتصادی - تجاری است؟

□ یکی از ابزارهای بسیار مهم گسترش مبادلات بازرگانی، ایجاد یک شبکه اطلاعاتی بسیار قوی تجاری است. متأسفانه در اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، اطلاعاتی در زمینه اقتصاد کشورهای اسلامی نیست، اما اگر در زمینه اقتصاد آلمان اطلاعاتی نیاز باشد، به‌وفور وجود دارد. این نشان می‌دهد ساختار و الگوی مبادلات گذشته وسایل خود را نیز

فراهم کرده است.

در این برهه درصدد هستیم این مسیر را تغییر داده و به‌سوی کشورهای اسلامی بکشانیم. به‌طور قطع این مسیر خودبه‌خود تغییر پیدا نمی‌کند و نیاز به یک سرمایه‌گذاری است تا جریان اطلاعات در جهت رفع نیازهای کشورهای اسلامی تعیین شود.

در این زمینه دولت باید سرمایه‌گذاری کند تا مسیرهای ارتباطی مناسب ایجاد شود. متأسفانه دولت تا به‌حال فکر می‌کرده است که بخش خصوصی باید مسیرهای ارتباطی را بسازد، در صورتی که در ایران بخش خصوصی ۲۰ درصد فعالیت‌های تجاری را انجام می‌دهد و ۸۰ درصد آن در دست دولت است.

○ ایجاد سازمانی برای برنامه‌ریزی نحوه تشکیل بازار مشترک اسلامی ضروری است و ایران به‌عنوان رییس سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند در این زمینه پیش‌قدم شود.

وزارت بازرگانی در این مسیر حرکت‌های خوبی کرده است، اما امکانات به اندازه کافی در اختیار وزارت بازرگانی قرار نگرفته تا مسیرهای ارتباطی را ایجاد کند. بنابراین، برای اینکه ابتدا مسیرهای ارتباط اطلاعات ایجاد شود، دولت باید سرمایه‌گذاری لازم را انجام دهد. این سرمایه‌گذاری برای کشور، بازده زیادی دارد. این کار در گذشته تا حدودی شروع شده است، ولی باید گسترش یابد.

کشورهای اسلامی از جمله ایران هنوز با یکدیگر ارتباط رایانه‌ای ندارند. ایران هنوز نمی‌تواند به شبکه اطلاعاتی رایانه‌ای مالزی، اندونزی و ترکیه وصل شود و به‌راحتی اطلاعات بگیرد و اطلاعات بدهد. کشورهای پیشرفته اسلامی مسأله خود را حل کرده‌اند و به مسیرهای رایانه‌ای جهان خود را وصل کرده‌اند و مبادلات تجاری خود را به سرعت با کشورهای غربی توسعه می‌دهند.

باید در ایران در این زمینه حرکت فراگیری صورت بگیرد تا از کشورهای مالزی، اندونزی و ترکیه عقب نمانیم.

